

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y6SH24A541471 ISSN-P: 2538-3701

مصادیق جدید شرب خمر از منظر فقه و حقوق موضوعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

فاطمه توکلی

چکیده

مصرف خمر و سایر مسکرات، آثار و عواقب نامطلوب و ناخوشایندی از لحاظ جسمی و روانی به دنبال دارد. شرب خمر یک جرم حدی است، یعنی شرایط و کیفیات این جرم و مجازات آن در شرع مقدس بیان شده است. قانون گذار به تبع شرع در قانون مجازات و در قسمت حدود به این جرم و مجازات ناشی از آن پرداخته است و در ماده ۲۶۴ قانون مجازات علاوه بر خوردن، تزریق و تدخین مسکرات را هم موجب حد دانسته است که این حکم با نظر فقهای شیعه مبنی بر اینکه خوردن مسکرات موجب حد است سازگاری ندارد بنابراین نسبت به تزریق و تدخین مسکرات شبهه وجود دارد که با توجه به قاعده دراء، حد ساقط می شود. گذشته از آن اصل تفسیر به نفع متهم مؤید این مطلب است که در موارد شک و از باب تفسیر به نفع متهم، حکم به عدم اجرای حد شود.

واژگان کلیدی: شرب خمر، فقه، مسکرات، جرم حدی، شلاق، حدود و تعزیرات، مواد

روانگردان و مخدر

بخش اول: کلیات

دین اسلام شرب خمر را شدیداً تحریم نموده تا جایی که رسول گرامی اسلام (ص) فرموده است «الخمیر ام الخبائث»^۱ این سخن کوتاه و پر مغز چهارده قرن قبل یعنی زمانی که جوامع بشری در تاریکی جهل و نادانی دست و پا می زد و به همه چیز سطحی نگاه می کرد شراب را سرچشمه و مادر همه پلیدی ها و ناپاکی ها دانسته است این سخن با همه کوتاهی خود تمام ابعاد جامعه شناختی و روانشناسی اجتماعی افراد بشر را در رابطه با عوارض ناشی از شراب خواری شامل می شود زیرا امروزه و با علم کنونی ثابت شده است که مواد الکلی حقیقتاً ریشه همه مفسده هایی است که مایه از بین رفتن عقل، تفکر، سلامت و گسیختگی نظام خانواده می شود بنابراین با توجه به پیامدهای شوم شرب خمر، این عمل به عنوان یک جرم مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی بیان شده و در بخش حدود شرایط تحقق این جرم و کیفیت اجرای حد بر مرتکب آن ذکر گردیده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در ماده ۱۶۵ خوردن مسکر را موجب حد دانسته بود اما در قانون مجازات اسلامی جدید التصویب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۴ علاوه بر خوردن، تزریق و تدخین مسکرات نیز موجب حد دانسته شده است لذا قانون جدید نسبت به قانون سابق عام تر بوده و شامل هرگونه وارد کردن مسکرات به داخل بدن می شود که این دیدگاه با نظر فقهای شیعه و با بررسی آنچه که از ادله و مبانی شرب مسکرات به دست می آید همخوانی ندارد بنابراین پژوهشی از نظر فقهی و حقوقی در خصوص این ماده ضروری به نظر می رسد

بند اول: ضرورت تحقیق

با توجه به اختلاف نظر فقیهان و حقوقدانان در خصوص حکم به وجوب یا عدم وجوب حد در صورت تزریق و تدخین مسکرات لذا ضرورت دارد برای روشن شدن برخی اقدامات و بهتر شدن اختلافات موجود بین نظریات گوناگون و رسیدن به یک نظر جامع و واحد این موضوع از جنبه های مختلف مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد و به یکی از سوالات اساسی در این

^۱حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت علیه السلام، قم ۱۴۰۹ ه.ق، جلد ۲۵، حدیث ۳۹۹، صفحه

زمینه مبنی بر اینکه حکم تزریق و تدخین مسکرات از نظر فقها و حقوقدانان چیست پاسخ داده شود تا راهگشای پژوهشگران در خصوص این موضوع باشد

بند دوم: پیشینه تحقیق

موضوع شرب خمر به دلیل آثار و تبعات فردی و اجتماعی که به دنبال دارد همیشه مورد بررسی و نقد و تحلیل فقیهان و حقوقدانان قرار گرفته و کتب متعددی نیز در این خصوص به رشته تحریر در آمده است که بیشتر آنان به بیان شرایط مسکر، راه‌های اثبات شرب خمر و کیفیت اجرای حد پرداخته‌اند ولی کتابی که به صورت تفصیلی به بررسی مصادیق جدید شرب خمر بپردازد وجود ندارد یا حداقل تا جایی که راقم این سطور تفحص و جستجو نموده است کتابی که به صورت تفصیلی به بررسی مساله جدید شرب خمر پرداخته باشد یافت نشد همچنین در میان پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز صرفاً به بررسی معنای کلمه خمر در لغت و ادله شرعی آن، پیشینه تاریخی مشروبات الکلی و پیشینه قانونگذاری منع مصرف آن و تفسیر آیات قرآن در این زمینه پرداخته شده اما در مورد مصادیق جدید شرب خمر مطلبی در پژوهش‌های مذکور دیده نمی‌شود.

بند سوم: روش تحقیق

نوع تحقیق صورت گرفته بنیادی و شیوه آن تحلیلی-توصیفی است. ابتدا اطلاعات مورد نیاز از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و استفاده از نرم افزارهای تخصصی و سایت‌های علوم اسلامی گردآوری و با فیش برداری استخراج می‌گردد و سپس با تجزیه و تحلیل و تنظیم فیش‌ها مقاله تدوین خواهد شد

بخش دوم: بررسی و شناخت مفاهیم اولیه

۱- مسکر

مُسکِر در لغت از ریشه سَکَر و به معنی مست کننده است^۱ و در اصطلاح فقهی نیز مفهوم آن با مفهوم لغوی ارتباط کامل دارد و چیزی را که حالت مستی و بی‌حواسی ایجاد کند مسکر می‌گویند ولی در اصطلاح حقوقی و در قانون مجازات اسلامی مستی تعریف نشده است و

^۱ فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، چاپ هفتم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۴ ه.ق، جلد ۲،

قانونگذار آن را جرم انگاری نکرده بلکه صرفاً خوردن مسکر را جرم انگاری کرده به گونه ای که اگر شخصی ماده مسکر بخورد ولی مست نشود ولو اگر یک قطره باشد به مجازات حدی محکوم خواهد شد البته فقها در معنی و تعریف مستی اختلاف نظر دارند برخی مستی را این چنین تعریف نموده اند که مست کسی است که حسن و قبح امور در نظر او یکسان است و یا برخی دیگر آن را این چنین تفسیر کرده اند که مستی حالت شخصی است که زمین را از آسمان و طول را از عرض و زن را از مرد تمیز نمی دهد^۱ ولی به نظر می رسد این تعاریف غیر منطقی است و انطباق آن با مصادیق دشوار است پس به نظر می رسد تشخیص اینکه چه چیزی مسکر است یا نیست با عرف است چون مسکر یا مایع مست کننده در شرع تعریف مخصوصی ندارد و برای تعریف آن باید به عرف مراجعه شود

۲- خمر

خمر در لغت به معنی ستر و پوشاندن است و به آنچه که با آن چیزی را می پوشانند خمار می گویند چنانکه در زبان عرب برای روپوشی که زنان سر خود را با آن می پوشانند خمار گفته می شود و اما در اصطلاح شرع، خمر به هر مایع مست کننده ای گفته می شود خواه از انگور گرفته شده باشد یا از کشمش یا از خرما و یا هر نوع مشروبات الکلی البته استعمال واژه خمر برای مایع مسکر به علت تناسبی است که بین معنی لغوی آن با این معنی وجود دارد زیرا این مایعات به جهت مستی که ایجاد می کند گویی که روی عقل را پرده می اندازد و نمی گذارد که خوب را از بد و زشت را از زیبا تمیز دهد^۲

۳- حدود

حدود جمع حد و حد در لغت به معنی منع و بازداشتن^۳ و یا چیزی که میان دو چیز حائل شده و از اختلاط آنها جلوگیری می کند نامیده شده^۴ اما در اصطلاح فقهی و از نظر شرعی

^۱ جزیری، عبدالرحمان- غروری، سید محمد- مازح، یاسر، الفقه علی مذهب الاربعه، دار الثقلین، بیروت- لبنان ۱۴۱۹ ه.ق، صفحه ۱۲

^۲ عاملی، یاسین عیسی، اصطلاحات فقهیه فی رسائل العلمیه، دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت- لبنان، ۱۴۱۳ ه.ق، جلد ۱ صفحه ۸۱

^۳ زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالهدایه، ۱۴۰۴ ه.ق، جلد ۸، صفحه ۶۶

^۴ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، جلد ۱، صفحه ۲۲۱

مجازات‌های است که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع مقدس معین شده است البته این تعریف در بین فقهای شیعه معروف است. امامیه حد شراب خوار را هشتاد تازیانه می‌داند و دلیل آنها نیز روایات معصومین و اجماع است و اما از میان فرق اهل سنت حنفیه، مالکیه و حنبلیه همانند امامیه حد شراب خوار را هشتاد تازیانه می‌دانند اما دلیل آنان بر میزان ۸۰ ضربه برخلاف امامیه عمل عمر بن خطاب است که حد شرابخوار را هشتاد تازیانه تعیین کرده و صحابه نیز با او توافق نمودند اما شافعی معتقدند که حد شرابخوار ۴۰ ضربه تازیانه است و پیامبر اسلام بر همین رویه عمل می‌کرده است و مقدار اضافی از ۴۰ ضربه تا ۸۰ ضربه نه به عنوان حد بلکه به عنوان تعزیر است که حاکم اسلامی مختار است آن را اجرا کند یا نکند^۱ در قانون مجازات اسلامی نیز به پیروی از نظر مشهور فقیهان امامیه حد شراب خوار ۸۰ ضربه شلاق تعیین شده است چنانکه ماده ۲۶۵ مقرر می‌دارد «حد مصرف مسکر ۸۰ ضربه شلاق است»

بخش سوم: مبانی و ادله حرمت شرب خمر

۱- قرآن

اصلی‌ترین مبنای جرم‌انگاری شرب خمر قرآن کریم است و مجموعاً ۶ آیه از قرآن کریم به صورت مستقیم در رابطه با شرب خمر است که این آیات به قرار ذیل است:

الف- «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَأَلْبَانًا مَبْعُورًا وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۲ علامه طباطبایی این آیه را مربوط به شرب خمر دانسته‌اند و روایتی را هم از امام موسی کاظم علیه السلام در بیان منظور از اثم ذکر نموده است که حضرت فرمود مراد از اثم همان خمر است^۳

ب- «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^۴ در این آیه خداوند از میوه‌های درختان خرما و انگور نام می‌برد که از آنها روزی نیکو و یا مسکرات درست می‌شود در تفسیر آیه فوق اختلاف نظر وجود دارد برخی لفظ

^۱ مصطفی الخزن و مصطفی البغا و علی الشربجی، الفقه المنهجي علی مذهب الامام الشافعی، چاپ چهارم، دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۳ ه.ق، جلد ۸، صفحه ۶۲

^۲ آیه ۳۳ سوره اعراف

^۳ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، جلد ۴۸، صفحه ۱۴۹

^۴ آیه ۶۷ سوره نحل

سکر را به خمر معنی کرده اند و برخی هم آن را به نوشابه های شیرین معنا نموده اند اما با توجه به روایاتی که در این زمینه وارد شده است معنی سکر در آیه فوق همان خمر و چیزهای مست کننده است البته قرآن در این آیه هرگز اجازه شراب سازی از خرما و انگور را نداده بلکه با توجه به این که مسکرات را در مقابل رزق حسن قرار داده اشاره کوتاهی به نامطلوب بودن خمر و تحریم آن نموده و در واقع اولین اخطار در زمینه تحریم خمر می باشد و شاید بتوان گفت که خداوند ضمن برشمردن نعمات خود اشاره ای هم به سوء استفاده از این نعمت ها کرده.

ج- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...»^۱

د- «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا آكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...»^۲

ه- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^۳

۲- روایات

در زمینه اثرات مخرب شراب خواری و در مذمت و سرزنش اصل مشروبات مسکر روایات بسیار زیادی در مجموعه های حدیثی ما وجود دارد و آن را از گناهان کبیره دانسته و حتی گناهش را از زنا بالاتر محسوب نموده اند از جمله از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت است که فرمودند شراب خواران مانند بت پرستان هستند گناه شراب خوار مثل گناه کسی است که در حرم خدا به مادر خود تجاوز کند و یا در روایت دیگری از ایشان آمده است که به شراب خواران زن ندهید و با آنها هم غذا نشده و مصاحبت نداشته باشید و به آنها سلام نکنید و در یک مجلس نشینید همانا اگر لعنت خدا نازل شود همه افراد حاضر در آن مجلس را شامل خواهد شد و یا از پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

^۱ آیه ۴۳ سوره نسا

^۲ آیه ۲۱۹ سوره بقره

^۳ آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده

روایت شده است که فرمود هر کس مقدار اندکی از آنچه زیادش مست کننده است در رگ هایش داخل کند خداوند تعالی آن رگ را ۳۶۰ نوع عذاب خواهد نمود^۱

۳- عقل

مشروبات الکلی به تصریح پزشکان مضرات طبیعی برای جسم و روح انسان دارد از جمله آنکه اختلالاتی را در معده، روده، کبد، سلسله اعصاب و حواس ظاهری چون بینایی و چشایی پدید می آورد و همچنین مضرات اخلاقی چون ناسزاگویی، فاش نمودن اسرار خود و دیگران و موجب ارتکاب جنایت و هتک نوامیس خود و دیگران می گردد و همچنین سبب از بین رفتن عقل و دگرگون شدن مجاری ادراکی می شود بنابراین هر عقل سلیمی به دلیل اقسام ضررهای طبیعی و اخلاقی و عقلی مصرف مشروبات الکلی را نادرست می شمارد

۴- اجماع

به اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت خمر نجس و حرمت آن محرز است و حتی حرام بودن خمر توسط همه ادیان الهی منع گردیده است و اکثریت عالمان دینی حتی مشروبات را به عنوان دارو نیز تجویز نمی کنند چرا که خداوند متعال شفایی در حرام قرار نداده است

بخش چهارم: ملاک و شیوه های مصرف مسکر

بند اول: تاثیر کمیت مسکر در حکم آن

در منابع شرعی تصریح شده است که خوردن حتی یک قطره از مسکرات مستوجب حد است و این موضوع در روایات فراوانی نیز مورد تصریح قرار گرفته است از جمله اینکه از امام صادق روایت شده است که فرمودند شراب مستوجب حد است خواه کم باشد یا زیاد. بنابراین خوردن حتی یک قطره از مسکرات حرام و مستوجب حد بوده حتی اگر شخص را مست نکند اما در مقابل روایاتی نیز وجود دارد که مستی را، مستوجب حد می داند به این معنی که اگر شخصی سه پیمانه شراب بخورد اما مست نشود و با نوشیدن پیمانه چهارم مست شود فقط پیمانه چهارم حرام است یعنی شرابخوار به علت شراب خواری مجازات نمی شود بلکه به علت مستی مجازات می شود البته این روایات به دلیل ضعف سندی قابل اعتناء نیستند.

بند دوم: تاثیر کیفیت مسکر در حکم آن

شیوه های مصرف مسکرات به دو دسته متعارف و غیرمتعارف تقسیم می شود که در ذیل به طور مفصل به آن می پردازیم:

۱- شیوه های متعارف

شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند در این که نوشیدن شراب از طریق دهان مصداق قطعی شرابخواری و مستوجب حد است چنانکه ترید کردن نان در شراب نیز همین حکم را دارد زیرا در این حالت هم عین شراب باقی است و خوردن آن شرب خمر محسوب می شود همچنین از مجموع روایات بیان شده هم به خوبی روشن می شود که هرگاه از واژه مسکر و خمر استفاده شده در کنار آن از واژه های شرب یا تناول استفاده کرده اند و کاملاً مشخص است که دو واژه شرب و تناول نوع خاصی از مصرف است بنابراین تزریق و تدخین از مصادیق شرب و تناول نخواهد بود چنانکه این موضوع مورد تایید لغویون نیز قرار گرفته است

۲- شیوه های نامتعارف

استعمال شراب به شکل ها و صور ذیل نیز قابل تصور می باشد که از جمله آنها می توان به اکتحال، اطلاق، تضمید، استشمام و استنشاق بخار و دود شراب، تزریق مسکر، حقنه کردن، سعو، مضمضه کردن، نوشیدن یا خوردن شرابی که با یک ماده غذایی دیگر مخلوط شده و یا خمیر کردن آرد با شراب و خوردن نان پخته شده از آن اشاره نمود

الف- اکتحال، اطلاق و تضمید^۱

اکثریت قریب به اتفاق فقیهان معتقدند که استعمال شراب به صورت های اکتحال، اطلاق و تضمید شراب خواری محسوب نشده و حد ندارد و دلیلی هم که بر تایید این مطلب بیان شده این است که در موارد فوق شرب و تناول صدق نمی کند بنابراین نمی تواند مصداق شرب خمر باشد ضمن اینکه روایت یا سیره عملی نیز مبنی بر اینکه در این موارد حد جاری شده باشد هم وجود ندارد

^۱ اکتحال در لغت به معنی سرمه در چشم ریختن است اطلاق به معنی فطران مالیدن بر بدن و در اصطلاح به معنی شراب بر بدن مالیدن است و تضمید به معنی بر جراحت ضماد بستن و در اینجا به معنی آن است که از شراب ضمادی ساخته و بر محل جراحت بگذارند

ب- استنشام و استنشاق^۱

گاهی مقداری از الکل در اثر حرارت بخار شده و در فضا پراکنده می‌شود حال سوال این است که حکم استنشام این بخارات چگونه است؟ در پاسخ باید بیان نمود که از نظر نجاست به نظر برخی از فقیهان زمانی که شراب یا هر مایع نجس دیگر تبدیل به بخار شود چون استحاله رخ می‌دهد و بخار از جنس گاز است لذا گاز قابلیت حکم به نجاست را ندارد^۲ اما در مورد استنشام استنشاق بخارات و دود حاصل از شراب هیچ یک از فقیهان امامیه و اهل سنت این نوع استعمال را شرابخواری محسوب نکرده و معتقدند این نوع استعمال اگرچه حرام است ولی مستوجب حد نخواهد شد البته صاحب جواهر استعمال شراب در قلیان همراه با توتون و تنباکو و استنشام دود یا بخار حاصل از آن را از مصادیق تناول محصول کرده که البته نظر ایشان پذیرفته نشده است^۳

ج- تزریق مسکر

در مورد تزریق مسکر و مستوجب حد دانستن یا نداشتن آن دو دیدگاه کلی وجود دارد دیدگاه اول معتقدند که تزریق شراب به رگ نوعی شرابخواری و مستوجب حد است دلیل آنها نیز روایتی از پیامبر (ص) است که فرموده کسی که مقدار کمی از آنچه زیادش مست کننده است را وارد رگ هایش کند خداوند آن رگ ها را به ۳۶۰ نوع مجازات عذاب می‌کند و از این روایت چنین برداشت شده است که در زمان پیامبر با وسایلی می‌توانستند مایعات از جمله شراب را وارد رگ ها کنند ولی به نظر می‌رسد که چنین نبوده بلکه منظور از وارد کردن شراب به رگ ها در روایت فوق الذکر وارد کردن از طریق نوشیدن است نه اینکه مستقیماً با تزریق وارد شده باشد اما مطابق دیدگاه دوم تزریق شراب به رگ شراب خواری محسوب نشده و سبب حد نخواهد بود حتی بر مبنای نظر ابوحنیفه که مست کننده بودن را

^۱ استنشام یعنی بو کردن و استنشاق یعنی آب یا مایع دیگری را بینی کشیدن

^۲ خویی، ابوالقاسم، تنقیح العروه، مطبعه علمیه، قم، ۱۴۰۷ ه.ق، جلد ۲، صفحه ۱۰۱

^۳ نجفی، صاحب جواهر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت-لبنان، ۱۴۰۴ ه.ق،

شرط اجرای حد می داند در چنین مواردی اگر اگرچه تزریق شراب مست کننده باشد ولی چون مستی از راه نوشیدن حاصل نشده مستوجب حد نیست^۱
د- سعوط^۲

در مورد سعوط دو دیدگاه وجود دارد برخی از فقیهان شیعه و حنبلیه آن را شرابخواری و مستوجب حد دانسته اند دلیل آنها نیز این است که انفیة کردن با شراب موجب می شود که شراب از طریق بینی وارد حلق یا معده شود همانگونه که چنین استعمالی می تواند روزه را باطل کند اما اکثریت فقیهان شیعه و مالکیه و شافعیه و حنفیه این نوع استعمال را موجب حد ندانسته اند و دلیل آنها هم این است که استعمال شراب به این شکل تناول محسوب نمی شود چون وارد حلق نمی شود بنابراین اگرچه این عمل حرام است (زیرا داخل کردن چیز نجس به دهان حرام است) ولی مستوجب حد نیست به نظر می رسد که دو دیدگاه فوق در واقع یک دیدگاه است ولی هر کدام از جنبه خاصی به آن نگاه کرده اند دیدگاه اول انفیة کشیدن را سبب حد می دانند چون دیدگاهشان ناظر به وضعیتی است که شخص با کشیدن شراب به بینی خود آن را وارد حلق و معده خود می کند و از این طریق تغذیه می شود و شکی نیست که در این صورت این عمل شرب خمر بوده و مستوجب حد است ولی دیدگاه دوم کشیدنش را به داخل بینی صرفاً استنشام و استنشاق می دانند که اگرچه این عمل حرام است ولی مستوجب حد نمی شود
ه- حقنه کردن^۳

در مورد استعمال شراب به نحو اماله نیز دو دیدگاه وجود دارد حنابله معتقدند چون حقنه کردن وارد کردن شراب به داخل بدن است شرابخواری و مستوجب حد است ولی امامیه و مالکیه و شافعیه و حنفیه این شیوه را مستوجب حد نمی دانند و دلیل آنها هم این است که این شکل استعمال نه خوردن محسوب می شود و نه آشامیدن و نیز از این طریق شراب به معده و حلق هم نمی رسد تا با آن تغذیه ای صورت بگیرد

^۱ گلپایگانی، محمدرضا - مقدس نجفی، محمدهادی، تقریرات الحدود و التعزیرات، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم، ۱۳۸۷، جلد ۱، صفحه ۲۹۹

^۲ سعوط در لغت به معنی انفیة کردن و در اصطلاح یعنی چیزی که در بینی ریخته شود و به داخل بدن برسد
^۳ احتقان به معنی اماله و تنقیه کردن است و در اصطلاح به معنی وارد کردن شراب از طریق مقعد به داخل روده هاست

و- مخلوط کردن مسکر با مواد دیگر

مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر در صورتی حد را ساقط می کند که مسکر از حالت سکر آور بودن خارج شود بنابراین در اینجا مسکر بودن ملاک است و خارج شدن مسکر از شکل ظاهری و تغییر ماهیت آن ملاک نیست بنابراین اگر شخصی خمر را با مایع دیگری مخلوط کند به گونه ای که از خمر بر آن صادق باشد و مسکر در آن مستهلک نشود حد ثابت است اما اگر مخلوط نمودن خمر با دیگر ادویه و اغذیه به گونه ای باشد که مسکر در آن غذاها و داروها مستهلک شود و اسم شراب بر آن صدق نکند اگر چه از نظر اسلام این عمل حرام است ولی حد شرعی بر آن مترتب نخواهد بود ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی دیدگاه دوم را تایید نموده است که مقرر می دارد مصرف «مسکر..... خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند موجب حد است» مفهوم مخالف این ماده این است که اگر مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر سبب خروج آن از مسکر بودن شود مستوجب حد نخواهد بود هر چند ذرات مسکر در آن وجود داشته باشد

ی- خمیر کردن آرد با شراب

منظور، زمانی است که خمیر درست شده با شراب به نان تبدیل شود در این مورد دو دیدگاه وجود دارد یک دیدگاه معتقدند که این عمل مستوجب حد است اگر چه شراب مخلوط شده قابل تشخیص نباشد اما دیدگاه دوم معتقدند که حد ساقط شده و یا احتمال سقوط حد وجود دارد دلیل آنها هم این است که آتش اجزای شراب را که در نان وجود داشته از بین برده مخصوصاً اگر نان زیاد روی آتش بماند تا خشک شود ولی چون نجس است و احتمال دارد که اجزای شراب باقی مانده باشد شخص تعزیر می شود

بند سوم: سابقه تدوین مواد قانونی مرتبط

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مصرف مسکرات به عنوان جرم حدی و فی نفسه جرم انگاری نشده بود بلکه تنها مصرف آن به صورت علنی مجازات در پی داشت ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در این خصوص مقرر کرده بود «...هر کس علناً استعمال تریاک یا شیره یا مرفین یا هروئین یا کوکائین یا بنک(بنگ) و یا چرس بنماید یا متجاهراً مشروبات الکلی استعمال کند بحبس تأدیبی از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد....» اما بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی ماده ۱۲۳ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب سال ۱۳۶۱ مسکرات را به عنوان جرم حدی شناخته و آن را جرم انگاری نمود و مقرر نمود «خوردن مسکر کم یا زیاد مست بکند یا نکند خالص باشد یا مخلوط موجب حد است. تبصره ۱- آب جو گرچه مست کننده نباشد در حکم شراب است و موجب حد خواهد بود. تبصره ۲- خوردن آب انگوری که خود بجوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده گرچه حرام است ولی موجب حد نمی باشد» و سپس قانون گذار در سال ۱۳۷۰ با تصویب قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۵، همانند قانون سابق خوردن مسکر را مستوجب حد اعلام نمود و مقرر کرد «خوردن مسکر موجب حد است اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند...» اما ابهامی که در مورد ماده فوق الذکر وجود داشت مسئله استفاده از واژه خوردن بود به این معنی که آیا اگر مسکر جنبه تزریقی و یا تدخینی داشته باشد از مصادیق مسکر مستوجب حد است و یا اینکه صرفاً وجود حد منحصر به تناول است همانگونه که در روایات و کلام فقیهان از واژه تناول استفاده شده است؟! این ابهامات تا سال ۱۳۹۲ همچنان وجود داشت تا اینکه نهایتاً در همان سال قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و در ماده ۲۶۴ به این ابهام پایان داد و مقرر نمود «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است...» همانگونه که مشاهده می شود در این ماده قانونی از کلمه مصرف استفاده شده است که اعم از شرب، تناول، تزریق و تدخین است و مرتکب را مستوجب مجازات حدی می داند بنابراین با توجه به وجود تفاوت میان قانون جدید و قدیم توجه به چند نکته حائز اهمیت است و آن اینکه:

اولاً به جای عبارت خوردن مسکر در قانون سابق عبارت مصرف مسکر در قانون جدید ذکر شده است که عبارت عام تری است زیرا خوردن ظهور در نوشیدن از طریق دهان و حلق دارد اما مصرف کردن شامل هر گونه وارد کردن مسکر به داخل بدن می شود که دو نمونه آن یعنی تزریق و تدخین در ماده ۲۶۴ ذکر شده است البته در خصوص اطلاق ماده ۲۶۴ به نظر می رسد که چنین اطلاقی با توجه به نصوص شرعی و نظرات دیدگاه های فقها که شرب خمر را فقط

شامل نوشیدن و تناول کردن دانسته اند نادرست بوده و مواردی همچون تزریق و تدخین نباید مستوجب حد باشند بنابراین مناسب است که به مورد تنصیص اکتفا شود لذا تعبیر قانونگذار در ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که از عبارت خوردن مسکر استفاده کرده بود مناسب تر و با احتیاط موافق تر به نظر می رسید و با توجه به قاعده دراء و اصل تفسیر به نفع متهم مناسب است درخصوص ماده مورد بحث در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ دقت نظر بیشتری صورت می گرفت

ثانیا در قانون جدید تاکید شده است که جامد یا مایع بودن مسکر تأثیری در اجرای حد ندارند و علت این تاکید آن است که مشروبات الکلی غالباً به صورت مایع تهیه و مصرف می شوند بنابراین اگر قانون گذار چنین تصریحی نمی کرد ممکن بود این شبهه ایجاد شود که در این صورت بر اساس قاعده دراء باید حکم به سقوط حد از کسی نمود که مسکرات جامد را نوشیده یا مصرف کرده است

ثالثاً در قانون جدید تأکید شده است که مصرف مسکر در صورتی مستوجب حد می شود که آن را از حد مسکر بودن خارج نکند این تاکید نشان می دهد که آنچه اهمیت دارد قابلیت مست کنندگی است هر چند شخص را مست نکند مانند اینکه مزاج مصرف کننده به شکلی باشد که مست نشود

رابعاً تبصره دوم ماده ۱۲۳ در قانون جدید حذف شده است علت آن نیز کاملاً واضح است چون مطلب جدیدی را بیان نمی کند و آنچه وظیفه قانونگذار است بیان جرائم و رفتارهای مجرمانه است و گرنه رفتارهای مباح نیازی به بیان ندارد وقتی قانون گذار حکم خوردن آب انگور را بیان نمی کند معنیش آن است که جرم نیست پس نیازی به تصریح ندارد

بخش پنجم: تسری حکم شرب خمر به مسکرات جدید (مواد روانگردان و مخدر)

بند اول: رابطه مسکرات با مواد روانگردان و مخدر

ابو عباس شهاب الدین قرافی از فقیهان مالکی معتقد است که اصولاً مواد به سه دسته مسکرات (سکرآور) مرقدات (خواب آور) و مفسدات (فسادآور) تقسیم می شوند و تفاوت آنها را اینگونه بیان کرده است که اگر مصرف کننده به همراه از دست دادن عقل، حواس ظاهری خود مثل بویایی و شنوایی و بینایی را از دست بدهد آن ماده مرقد است مانند افیون اما اگر

شخص استفاده کننده حواس ظاهری خود را از دست ندهد اما بر نشاط و شادی و سرور او افزوده شود و نیروی جسمانی او افزایش پیدا کند آن ماده سکرآور خواهد بود مانند شراب و اما اگر چنانچه ماده مصرفی موجب نشود که شخص حواس ظاهری خود را از دست بدهد یا احساس شادمانی به او دست ندهد و صرفاً موجب سستی اعضا و فساد و تباهی عقل شود آن ماده مخدر (فسادآور) است مانند بنگ و حشیش. وی در ادامه در خصوص وجه تمایز بین مسکرات و مخدرات می گوید بر مواد سکرآور حد لازم است در حالی که مواد خواب آور و فساد آور حدی ندارند همچنین مواد سکرآور نجس هستند اما مواد فساد آور و خواب آور نجس نیستند و دیگر اینکه مصرف مسکرات ولو به مقدار کم حرام است در حالی که مصرف اندک مواد اقتصاد آور و خواب آور جایز است.^۱ پس می توان نتیجه گرفت مواد مسکر در سه حکم از مواد مخدر متمایز هستند:

۱- حکم به حد

۲- حکم به نجاست آن

۳- حکم به حرمت آن ولو به مقدار کم مصرف شود

البته فارغ از این تفاوت ها وجوه اشتراکی نیز بین مسکرات و مواد مخدر وجود دارد که مهمترین آن این است که هر دو سبب تباهی و فساد عقل و پدید آوردن سستی در اعضا بدن می شوند همچنین هر دو باعث به وجود آمدن افکار پلید و فاسدی می شوند که منجر به ارتکاب برخی از جرایم و جنایات می شود

بند دوم: اسکار مواد مخدر

۱- دیدگاه فقها

در خصوص اینکه آیا مواد مخدر و روانگردان در احکام همانند مسکرات هستند یا اینکه حکم جداگانه ای دارند اختلاف نظر شدیدی وجود دارد برخی از فقهای مذاهب اسلامی معتقدند که مواد مخدر و روانگردان مسکر بوده و بنابراین نوعی از انواع خمر محسوب می شوند و تمام احکامی که بر شارب الخمر اجرا می شود بر استعمال کننده مواد مخدر هم جاری می شود چرا که در علت حرمت یعنی اسکار با هم اشتراک دارند و حتی تخدیری که در اثر

استعمال مواد مخدر در اعضا و حواس انسان پدید می آید اثرات زیانبار تری نسبت به خمر دارد (در میان فقیهان شیعه که چنین نظری را انتخاب نموده اند می توان به علامه حلی، شهید ثانی، ابوالبرکات احمد در دیر اشاره نمود و در میان فقهای اهل سنت نیز می توان به ابن تیمیه و علامه نووی اشاره نمود^۱) در مقابل گروهی دیگر بیان کرده اند که این موارد تنها مخدر هستند و مسکر نیستند

۲- دیدگاه حقوقدانان

تفاوت آراء که در میان فقیهان بیان شد در میان اساتید حقوقی نیز دیده می شود از یک طرف اساتیدی همچون دکتر گلدوزیان قائل به این مسئله اند که حکم مسئولیت شخصی که عقلش باعث با استفاده از مواد مخدر از بین رفته است غیر از حکم مستی است و به آن ملحق نمی شود ایشان در جهت تایید نظر خود ذیل ماده ۲۲۴ سابق به رای شماره ۱۵۸۴ مورخ ۷۱/۹/۸ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور استناد نموده اند^۲ اما از طرف دیگر اساتیدی همچون دکتر اردبیلی قائل به این الحاق هستند اما قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به دلیل وحدت ملاک بین مواد مخدر و روانگردان با مسکرات قائل به یکی بودن حکم مشروبات الکلی با سایر مواردی که عقل را زائل می کند شده است این امر در ماده ۱۵۴ و ۳۰۷ این قانون تصریح گردیده است

بند سوم: مجازات مصرف کننده مواد مخدر

۱- فقه

فقه های امامیه مجازات استعمال مواد مخدر را مجازات تعزیری و بنا به صلاحدید حاکم می دانند اما در میان فقهای اهل سنت درباره نوع مجازات کسی که مواد مخدر استعمال می کند اختلاف دیدگاه وجود دارد برخی از فقها معتقدند مجازات آن تعزیری است و با نظر و صلاحدید حاکم تعیین می شود که ممکن است شلاق باشد یا حبس یا به شکل دیگر اما گروهی دیگر حد شرب خمر را بر مصرف کننده مواد مخدر جاری می دانند

^۱ علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام جلد دوم شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام جلد دوم ابوالبرکات احمد در دیر در کتاب شرح کبیر جلد دوم تقی الدین ابوالعباس ابن تیمیه در کتاب مجموع الفتاوی جلد سی و چهارم گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۷۹ و ۱۴۷

۲- دیدگاه حقوق جزا

از منابع حقوق جزا در شریعت اسلام علاوه بر قرآن و سنت و اجماع و عقل منبع دیگری نیز وجود دارد که آن قیاس است در خصوص قیاس در مذهب شیعه اعتقاد بر این است که نیازی به قیاس نیست و باید از متون قانون به هر وسیله‌ای راه حل موارد سکوت و فقدان نص را به دست آورد ولی فقیهان اهل سنت قیاس را منبع چهارم حقوق اسلام دانسته و می‌گویند هرگاه حکم موضوعی در قانون معلوم نباشد و علت آن حکم مشخص باشد می‌توان همان حکم را نسبت به موضوعات دیگری که در قانون حکم آن بیان نشده در صورت وجود اشتراک در علت سرایت داد اگرچه قیاس به طور کلی در فقه شیعه مورد پذیرش قرار نگرفته است اما نوعی از قیاس که منصوص العله نامیده می‌شود برای استنباط احکام به کار می‌رود و حجت بودن آن وقتی است که شارع علت حکم را به صراحت بیان کرده باشد به عنوان مثال حرمت شرب خمر که در مباحث قبل به طور واضح بیان شد (اصل یا مقیس عنه) و موضوع حرمت مشروبات الکلی دیگر به عنوان (فرع یا مقیس) مطرح می‌شود در اینجا است که حکم مشروبات الکلی دیگر مانند ویسکی یا هر نوع مسکر دیگری مانند خمیر یا شراب استنباط می‌شود و بدیهی است که توسل به قیاس توسط قاضی از طریق قوه مقننه مغایر با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است و حقوق و آزادی افراد را به خطر می‌اندازد ولی استناد به آن در موارد محدودی از جمله قیاس منصوص العله با رعایت شیوه سیاست کیفری تقنینی هشدار به بزهکار می‌باشد که در مقررات کیفری اسلام هیچ گناهی بدون کیفر و مجازات نمی‌ماند و به مجرم فرصت فرار از مجازات را نمی‌دهد بنابراین عنوان "مصرف مسکر" در قانون مجازات اسلامی با هر ماده یا مایع مسکری غیر از شراب یا خمر نیز از طریق قیاس منصوص العله مستوجب کیفر حدی است^۱

نتیجه گیری

۱- واژه خمر و مسکرات از عناوین عرفی هستند و در صدق عنوان مسکر بر مواد مایع مانند مشروبات الکلی و مواد جامد مانند انواع مواد مخدر باید تابع نظر عرف بود.

۲- امروزه یکی از معضلات جامعه شیوع مسکرات است که عقلا و شرعا و با هر دیدی که به آن نگاه کنیم دارای ضرر های متعددی است. علاوه بر خمر انواع مسکرات در موجب حد بودن با هم برابرند اما گاهی مواقع به علت ایجاد شبهه حد ممکن است ساقط شود و تعزیر در نظر گرفته شود.

۳- پیشرفت علم و تکنولوژی در زمینه های گوناگون و روش های متنوع الکل و تولید سایر مسکرات جامد اعم از مواد مخدر و روانگردان مشکلات جدیدی را در زندگی افراد و جوامع به وجود آورده که در صدر اسلام از آنها خبری نبوده بنابراین ضروری است که فقهای مذاهب اسلامی در خصوص این حکم اعلام فتوا نمایند.

۴- در دین اسلام تحریم خمر به علت مستی آور بودن آن است حال بر مبنای قیاس منصوص العله که فقیهان شیعیان آن را قبول دارند هر گاه در اثر مصرف مواد دیگر در شخص حالت مست کنندگی به وجود بیاید حکم به حرمت آن می شود چون مناط هر دو حکم یکسان است حال با توجه به این مسئله هر چیزی که انسان را مست کند حرام است بنابراین انواع مشروبات الکلی و مواد روانگردان که سبب مستی می شود حرام است هر چند اسم و انواع مختلفی داشته باشد و یا اینکه ترکیبات آنها متفاوت باشد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- آذر نوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، چاپ ۱۵، انتشارات نشر نی، تهران ۱۳۹۱
- اداره کل مطالعات و پژوهشهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، بررسی مواد مخدر در متون اسلامی، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۴
- باصری، علی اکبر، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، چاپ سوم، انتشارات خرسندی، تهران ۱۳۸۹
- خوبی، سید ابوالقاسم، ترجمه مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، انتشارات خرسندی، تهران ۱۳۹۱
- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، چاپ اول، جلد ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۳۷۱
- زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات جاودانه، تهران ۱۳۹۳
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، جلد دوم، دفتر نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۳۷۴
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، چاپ هفتم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۵
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۶
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، انتشارات مجد، تهران ۱۳۹۳
- گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، قانون یار مجازات اسلامی، چاپ پنجم، چتر دانش، تهران ۱۳۹۲
- گلپایگانی، محمدرضا - مقدس نجفی، محمدهادی، تقریرات الحدود و التعزیرات